یادداشت

محمدجواد اخوان

استحاله، تجدد یا تحول؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) با اشاره به روحیه تحول‌خواهی و تحول‌انگیزی امام بزرگوار، «تحول» را متفاوت از «استحاله» و «تجدد وارداتی» دانسته و فرمودند: «تحوّل را نبایستی با استحاله فکری اشتباه گرفت. اندکی قبل از حکومت پهلوی و بعد، شدّتش در دوران حکومت پهلوی، چیزی به نام تجدّد وارد کشور شد، که این را به‌عنوان یک تحوّلی در زندگی ملّت ایران به‌حساب می‌آوردند؛ این تحوّل نبود، این استحاله ملّت ایران بود، هویت ملّت ایران را از او سلب کردن بود. یعنی در واقع ملّت ایران، هویت دینی خود، هویت ملّی خود، هویت تاریخی عمیق خود را در این تجدّد از دست داد.»

در واقع معظم‌له در این بیانات، ضمن تکیه‌بر مفهوم مهم «تحول» و «تحول‌خواهی»، مرزبندی آن را با رویکردهای غلط یعنی «استحاله» و «تجدد» ترسیم نمودند. به‌نظر می‌رسد لازم است پیرامون تفاوت‌های این مفاهیم بحث و تبیینی صورت پذیرد.

۱- نخست وجه ممیزه میان تحول‌خواهی و «استحاله و تجدد وارداتی» ریشه در مبانی فکری و ژرفای اندیشگی آنها دارد. درحالی‌که تحول‌خواهی مطلوب مبتنی‌بر اصول مستحکم و مبانی پایداری است که برای تحول حکم زیربنا را دارد. تحول با ویران کردن زیربناهای فکری رخ نمی‌دهد، بلکه نوسازی با حفظ چارچوب‌های بنیادین را دنبال می‌کند. هرچند تجددطلبی غربی مدعی اتکا به «عقل» است، اما به دلیل تکیه افراطی و تک‌بعدی به «عقلانیت ابزاری» و نفی «عقلانیت مبتنی‌بر وحی»، انسان را از وجه متعالی عقلانیت محروم می‌کند. همچنین با تفوق‌جویی انحصارطلبانه‌ای که در ذات آن نهفته است، همه مکاتب دیگر را نفی می‌کند و بشریت را به تقلید بی‌چون‌وچرا از نسخه‌های واحد تجویزی خود فرامی‌خواند. نتیجه این رویکرد مقلدانه، نفی کلی عقلانیت و خالی شدن جامعه از خرد بومی است. درحالی‌که تحول‌خواهی مطلوب امام مبتنی‌بر عقلانیت برجسته مکتب اهل‌بیت (ع) است که نه‌تنها عقل را نفی نمی‌کند، بلکه آن را در ابتنا بر وحی دنبال نموده و گستره وسیع‌تری از عقلانیت زمینی و آسمانی را به بشریت عرضه می‌کند.

۲- وجه تمایز دیگر میان تحول و استحاله ناشی از تجدد، هویت بومی یا وارداتی بودن آن است. «تجدد» در واقع ترجمانی از مدرنیته (Modernity) است که در دوره موسوم به رنسانس در غرب بروز یافت و به دنبال دگرگونی عمده و به تعبیری نابودی همه ریشه‌های خداپرستی و حفظ سنت‌های فطری بشر بود و نتیجه آن را در وضعیت اجتماعی و سبک زندگی غربی می‌توان مشاهده کرد. تجدد وارداتی از حدود یک سده پیش توسط منورالفکرهای غرب‌زده در ایران تجویز شد و با سرنیزه پهلوی اول به جامعه ایرانی تحمیل گردید. بافتار مدرنیته وارداتی به‌هیچ‌روی با ساختارهای تثبیت یافته نظام اجتماعی و فرهنگی ایران، تطابق نداشت و در واقع حکم ویروسی مخرب را داشت که به دنبال تسخیر و بلکه ویرانی میزبان است. تجدد دنبال نابودی بنیان‌های بومی فرهنگ، مذهب و سنت‌های متعارفی بود که چندین قرن با هویت جامعه ایرانی عجین شده بود. نتیجه این تحمل غلط ایجاد شکاف‌های جدی در سبک زندگی و تعارضات آشکاری است که میان هنجارها و باورهای عمومی و برخی رفتارهای غلط اجتماعی پدید آمده است. تحول مطلوب در اندیشه امام کاملاً مأخوذ از اسلام ناب محمدی (ص) و مطابق با هویت، فرهنگ و سنن تاریخی مردم ایران است و به دنبال تقویت نقاط مثبت هویتی و اصلاح نقاط ضعف و نارسایی‌های موجود است. «تحول» به بنیان‌های ارزشی و هنجاری جامعه احترام گذارده و اتفاقاً به دنبال بازتولید ارزش‌ها در قالب‌های نوین و نوگرایانه است.

۳- تفاوت دیگر تحول با استحاله در جهت رشد عمودی آن است. درحالی‌که تحول پدیده‌ای از پایین به بالا است، اما استحاله و تجدد از بالا به پایین رخ می‌دهد. تحول از آنجا که عمقی و متکی به زیربناهای کهن اجتماعی است، در متن مردم رخ داده و به دنبال تحمیل اجباری چیزی به جامعه نیست. امام نیز با شناخت دقیق از جامعه ایران و امت اسلامی، همچون یک مربی توانا و هادی اجتماعی، از ابتدای نهضت اسلامی، تلاش گسترده‌ای را برای روشنگری و هدایت جامعه به‌سوی صلاح و عبور از نقاط ضعف و نارسایی‌های موجود انجام داد. درحالی‌که تجدد تجویزی روشنفکران با سرنیزه رضاخانی به جامعه تحمیل شد و البته هیچ‌گاه عمق نیز نیافت و اگر شمه‌هایی از تأثیرات اجتماعی آن امروز در ایران مشاهده می‌شود، صرفاً در لایه‌هایی از جامعه بوده و به‌هیچ‌روی با هنجارهای اصیل مردم تطابق‌پذیری نیافته است.

۴- وجه تمایز دیگر میان تحول‌خواهی امام (ره) و تجدد روشنفکران، در رهاوردها و پیامدهای آن‌هاست. درحالی‌که تحول‌خواهی مدنظر حضرت امام به دنبال تمدن‌سازی و احیای عظمت تاریخی ایران و امت اسلامی بود، اما تجدد وارداتی، درصدد نابود کردن باقی‌مانده نشانه‌های عظمت تاریخی و تمدن اسلامی ایرانی و یک «مرگ تمدنی» و همچنین به دنبال از میان بردن استقلال و عزت ملی ایران و وابسته سازی به قدرت‌های غربی بود. نتیجه سعی بلیغ امام امت (ره) آن بود که عظمت تاریخی و تمدنی ایران بار دیگر در مسیر احیاشدن قرار گرفت و کشوری که حدود دو قرن در اثر بی‌کفایتی سلاطین وابسته و نسخه‌های تجویزشده روشنفکران خودباخته، به جولانگاه قدرت‌های خارجی تبدیل‌شده و حتی پادشاهش نیز توسط بیگانگان منصوب می‌شد، به قدرتی منطقه‌ای دارای عمق راهبردی قابل‌اعتنا و حتی در ابعادی قدرتی جهانی و تأثیرگذار در مناسبات بین‌الملل تبدیل شد.

نکاتی که در بالا اشاره شد، تنها وجوه تمایز میان تحول‌خواهی امام(ره) و تجددطلبی وارداتی روشنفکران نیست؛ اما تلاش گردید برخی از مهم‌ترین محورهای ممیزه میان این دو برشماری گردد. اینک با توجه به نکات اشاره‌شده، ادامه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی را مطالعه و این یادداشت را به پایان می‌بریم: «تجدّدی که [طی آن] در دوران پهلوی، هم یک مقداری به‌وسیله رضاخان، هم [به‌وسیله] پشتوانه‌ها و به‌اصطلاح روشنفکرهای غرب‌زده و طلسم‌شده زمان رضاخان -که او را وادار می‌کردند، هدایت می‌کردند، کمک می‌کردند و توجیه می‌کردند کارهای او را- در واقع هویت ملّت ایران سلب شد، یعنی [ملّت ایران] از آن هویت واقعی خارج شد؛ این استحاله است، این تحوّل نیست. تحوّل باید روبه‌جلو باشد، این رو به عقب رفتن بود. ملّت‌ها اگر چنانچه هویتِ خودشان را از دست بدهند، داشته‌های معنوی خودشان را از دست بدهند، در واقع یک مرگ تمدّنی برای آنها به‌حساب می‌آید؛ این یک مرگ تمدّنی است، کما اینکه برای کشور ما هم متأسفانه همین‌جور هم بود؛ یعنی در بحث‌های علمی، بحث‌های اجتماعی، بحث‌های دانشگاهی، کار را به‌جایی رساندند که مثلاً حرف یک دانشمند غربی به‌عنوان قول فصل شمرده می‌شود؛ بحث که می‌کنند، [می‌گویند] فلان دانشمند غربی این‌جوری گفته؛ وقتی او این‌جوری گفته، پس دیگر بحث تمام است. معنای این، آن است که ما راه فکر را ببندیم. وقتی تقلید پیش آمد، مسئله تقلید از دیگران پیش آمد و اینکه انسان جرئت نداشته باشد در فلان مسئله علوم انسانی یا امثال آن، روی حرف دانشمند غربی حرف بزند، معنایش این است که باید فکر را گذاشت کنار، اجتهاد را باید گذاشت کنار، باید تقلید کرد؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن تعلیم انبیا است که «یثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول»؛ آن دفینه‌های عقل را، دفینه‌های اندیشه را در انسان‌ها زنده کردن، شوراندن و به ظهور رساندن؛ این نقطه، درست نقطه مقابل آنها است.»

خبر یک

رهبر انقلاب: امام خمینی امام تحول بود

سرافکندگی حامیان امریکا

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان ۱۴ خرداد با اشاره به رخدادهای امریکا آن را موجب رسوایی امریکا و سرافکندگی حامیانش در داخل و خارج دانستند

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی زنده تلویزیونی به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، «تحول‌خواهی، تحول‌انگیزی و تحول آفرینی» را از مهم‌ترین خصوصیات امام راحل عظیم‌الشأن خواندند و تأکید کردند: برای زنده‌ماندن انقلاب باید با درس آموزی از این ویژگی نرم‌افزاری و عملیاتی امام، رویکرد تحولی و گرایش پرشتاب به «بهتر شدن و حرکت جهشی» را، در همه زمینه‌ها، به‌خصوص در زمینه‌هایی که بی‌تحرکی یا عقبگرد داشته‌ایم با جدیت دنبال کنیم.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به روحیه تحول‌خواهی امام از دوران جوانی، افزودند: امام به روش پیامبران سرشت نهفته و غرایز معنوی انسان‌ها را بیدار می‌کرد که این ویژگی دهها سال قبل از آغاز نهضت اسلامی نیز در درس اخلاق منقلب‌کننده ایشان در حوزه علمیه قم مشهود بود. ایشان، امام خمینی را «امام تحول» نامیدند و افزودند: امام از دوران مبارزات تا پایان حیات مبارک‌شان در میدان عمل نیز در نقش یک فرمانده بی‌نظیر، روند تحول‌خواهی را رهبری و اقیانوس عظیم ملت ایران را در مسیر تحقق اهداف، طوفانی و متلاطم می‌کرد.

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین تحولات ایجاد شده در پرتو روحیه تحول‌آفرینی امام، به «تبدیل روحیه خمودگی و تسلیم ملت ایران به روحیه‌ای مطالبه‌گر» اشاره کردند و افزودند: امام عظیم‌الشأن، ملت ایران را از ملتی بی‌تحرک که فقط به فکر زندگی شخصی خود بود، به ملتی مطالبه‌گر و حاضر در میدان تغییر داد که این ویژگی از آغاز نهضت در سال ۴۱ و پس از آن ۱۵ خرداد ۴۲ تا مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب و سال‌های بعد از آن، نمایان و مشهود است.

■ امام به ملت اعتماد به نفس و عزت ملی داد

ایجاد تحول در نگاه حقارت‌پندارانه ملت در برابر «قدرت‌های خارجی و حتی مسئولان دون‌پایه رژیم پهلوی به ملتی دارای اعتماد به نفس و عزت ملی و مؤثر در سرنوشت کشور» دومین نکته‌ای بود که رهبر انقلاب در تبیین نتایج روحیه تحول‌خواهی امام خمینی به آن پرداختند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «تحول در مطالبات اساسی مردم از خواسته‌های بسیار محدود به مطالباتی همچون استقلال و آزادی» و «تحول در نگاه مردم به دین از یک چارچوب عادی و فردی به یک مکتب نظام‌ساز و تمدن‌ساز» را از دیگر آثار تعیین‌کننده نگاه تحول‌خواه رهبر کبیر انقلاب اسلامی برشمردند. ایشان در بیان نکته‌ای دیگر در همین زمینه افزودند: در شروع نهضت اسلامی هیچ افقی از آینده در ذهن ملت نبود اما امام این نگاه بی‌افق را به نگاه کنونی ملت یعنی تشکیل امت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی در افق آینده متحول کرد. رهبر انقلاب «ایجاد تحول در مبانی معرفتی کاربردی و وارد کردن فقه در عرصه نظام‌سازی و اداره کشور» و نیز «پافشاری بر تعبد و معنویت در عین نگاه نوگرایانه به مسائل» را دو نتیجه بارز نگاه تحول‌انگیز امام راحل برشمردند.

■ امام ابرقدرت‌ها را تحقیر کرد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «تحول اساسی در نگاه به جوانان و نسل جوان» را از دیگر آثار مبارک و عمیق رویکرد تحولی امام خمینی خواندند و افزودند: سپردن کارهای بزرگ به جوانان و استفاده از آنان به عنوان ثروت و ذخیره ملی، روش روشن امام بود البته آن بزرگوار در عین حال به افراد غیرجوان نیز به عنوان ثروت ملی اعتماد می‌کردند که این واقعیت نیز در انتصابات ایشان مشهود است و اکنون نیز همچنان که گفته‌ایم باید همین نگاه و روش مد نظر باشد. ایشان در تبیین دیگر نتایج بسیار مهم نگاه تحول‌خواه امام، ایستادگی و تحقیر ابرقدرت‌ها را مورد توجه قرار دادند و افزودند: زمانی کسی حتی تصور نمی‌کرد بشود روی حرف امریکا حرف زد اما امام خمینی با ایجاد تحول در نگاه به ابرقدرت‌ها، آنها را تحقیر و ثابت کرد که زورگویان جهانی ضربه‌پذیرند که این حقیقت در فروپاشی شوروی سابق و اوضاع امروز امریکا مشهود است.

■ حرکت تحول‌آفرین باید در همه بخش‌ها ادامه یابد

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه امام، «امام تحول» بود، افزودند: مهم‌ترین نکته این است که امام که عامل اصلی این تحولات بود، به درستی همه آنها را از خدا می‌دانست. ایشان نکته مهم دیگر در روحیه تحول‌انگیز امام را نگاه ایشان به اهمیت تحول روحی و اعتقادی در جوانان دانستند و در جمع‌بندی این بخش از سخنان‌شان افزودند: درسی که ما از روحیه و حرکت تحولی امام می‌گیریم این است که باید حرکت تحول‌آفرین در همه بخش‌ها ادامه داشته باشد، اگرچه کشور و انقلاب در ۳۰ سال گذشته از رویکرد تحولی امام فاصله نگرفته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «پیشرفت‌ها و حرکت علمی کشور»، «توانمندی‌های دفاعی و رسیدن به نزدیکی مرز بازدارندگی» و «چهره قدرتمند جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی» را نمونه‌هایی از پیشرفت و حرکت تحولی در دوران بعد از امام برشمردند و خاطرنشان کردند: در این ۳۰ سال با وجود پیشرفت و تحول در عرصه‌های گوناگون، در برخی موارد در زیرساخت‌ها تحول به‌وجود آمد اما به فعلیت نرسید و در برخی موارد هم عقبگرد و پسرفت داشتیم که تأسفبار و غیرقابل قبول است. ایشان، نقطه مقابل انقلاب را که طبیعت آن «نوآوری، تحول، پیشرفت و جهش» است، «ارتجاع» خواندند و افزودند: پیشرفت و یا پسرفت انقلاب‌ها بستگی به اراده انسان‌ها دارد زیرا اگر انسان‌ها در مسیر درست حرکت نکنند، خداوند نعمت خود را از آنها خواهد گرفت، بنابراین باید به‌شدت مراقب بود که دچار چنین وضعیتی نشویم.

■ تحول باید مبتنی بر یک اندیشه متقن باشد

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه «ما قادر هستیم در بخش‌های مختلف تمدنی کشور و نظام، تحول ایجاد کنیم و از بنده، جوانان، نخبگان و مردم انتظار است به فکر ایجاد تحول در بخش‌های مختلف باشیم»، به برخی الزامات ایجاد تحول اشاره کردند. «قانع نبودن به داشته‌ها و داشتن روحیه تحول‌خواهی و پیشرفت مستمر و افزودن بر داشته‌ها» اولین نکته‌ای بود که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند و گفتند: تحول‌خواهی لزوماً به معنای اعتراض نیست و یا نباید حتماً بعد از شکست به فکر تحول افتاد بلکه تحول یعنی میل مستمر به شتاب و سرعت گرفتن در حرکت و اجتناب از تحجر و پافشاری بر مشهورات غلط.

■ برخی انقلابیون اولیه فسیل شدند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تحول صحیح را نیازمند پشتوانه فکری دانستند و با تأکید بر لزوم تحول در مقوله «عدالت» افزودند: تحول باید مبتنی بر یک اندیشه متقن و شکل‌یافته باشد همچنان که هر حرکت تحولی امام، مبتنی بر مبانی معرفتی اسلام بود زیرا اگر چنین پشتوانه فکری وجود نداشته نباشد، تحول غلط خواهد بود و ثبات قدم وجود نخواهد داشت. ایشان در همین خصوص به برخی افراد انقلابی و علاقه‌مند در اوایل انقلاب اشاره کردند و گفتند: این افراد چون پایه‌های فکری و ایمانی مستحکم و متین و پشتوانه‌های عقلانی محکم نداشتند، بعد از گذر از دوران جوانی و مراحل مختلف زندگی، به همان فسیل‌هایی تبدیل شدند که انقلاب برای مقابله با آن فسیل‌های کج رو به وجود آمده بود. ایشان با تأکید بر اینکه تحول را نباید با «استحاله فکری» اشتباه گرفت، افزودند: تحول باید رو به جلو باشد در حالی که مسائلی همچون تجدد و غرب‌گرایی که در دوران پهلوی مطرح شد، سلب هویت دینی و ملی و تاریخی ملت ایران و به عبارتی «مرگ تمدنی» بود. رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: در تحول، سرعت مهم است اما این سرعت با شتابزدگی و کارهای عجولانه سطحی متفاوت است ضمن آنکه در تحول باید یک دست هدایتگر مطمئن وجود داشته باشد.

■ نترسیدن از دشمن، شرط تحول است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه به چند نمونه از مواردی که در کشور نیازمند تحول است، اشاره کردند و افزودند: در مسائل اقتصادی «قطع وابستگی اقتصاد از نفت و بودجه‌بندی عملیاتی»، در مسائل آموزشی «فایده محور و عمقی و کاربردی شدن دروس در مراکز آموزشی»، در مسائل اجتماعی «تأمین عدالت» و در مسائل خانواده و موضوع ریشه‌کنی اعتیاد و همچنین جلوگیری از پیر شدن کشور، نیازمند حرکت‌های تحولی هستیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شرط ایجاد تحول را «نترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها» برشمردند و افزودند: در مقابل هر اقدام مثبت و کار مهم، مخالفانی وجود دارد، مثلاً در فضای مجازی غالباً نوع مخالفت‌ها تیز و آزاردهنده است یا جبهه وسیعی از دشمن خارجی وجود دارد که با هر حرکتِ به صلاح کشور، مقابله می‌کند و امپراتوری تبلیغاتی وابسته به صهیونیست‌ها نیز آن را می‌کوبد ولی در انجام یک کار حساب‌شده، نباید ملاحظه این مخالفت‌ها و دشمنی‌ها را کرد. ایشان راه غلبه بر ترس از دشمنی‌ها را حضور نیروهای جوان، نترس و بدون ملاحظه در صحنه دانستند و گفتند: حضور نیروهای جوان یعنی استفاده از فکر، روحیه، جسارت و اقدام جوانان.

■ امریکایی‌ها با رفتارهای‌شان در دنیا رسوا شده‌اند

رهبر انقلاب اسلامی در بخش پایانی سخنان‌شان، آشفتگی جبهه دشمنان جمهوری اسلامی را نتیجه اعتماد ملت ایران به پروردگار خواندند و خاطرنشان کردند: یک بخش از جبهه دشمنان ایران، شوروی بود که با آن وضع فروپاشید و بخش دیگر آن امریکا است که امروز وضع آشفته آن را همه می‌بینند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حوادث جاری این روزهای امریکا را بروز واقعیات پنهان نگه‌داشته‌شده امریکا دانستند و گفتند: زانو زدن پلیس روی گردن یک سیاهپوست و فشار دادن آن تا جان باختن شخص و تماشای این صحنه از طرف چند پلیس دیگر، چیز جدیدی نیست بلکه همان اخلاق و طبیعت حکومت امریکا است که قبلاً نیز با بسیاری از کشورهای دنیا مثل افغانستان، عراق، سوریه و قبل از آن در ویتنام، همین کارها را کرده‌اند. ایشان شعار امروز مردم امریکا یعنی «نمی‌توانیم نفس بکشیم» را حرف دل همه ملت‌های تحت ظلم دانستند و افزودند: البته امریکایی‌ها با رفتارهای‌شان در دنیا رسوا شده‌اند. آن از مدیریت ضعیف‌شان در کرونا که به علت فساد موجود در هیئت حاکمه امریکا، تلفات و مبتلایان به بیماری در امریکا چندین برابر کشورهای دیگر است و این هم از برخورد وقیحانه‌شان با مردم که آشکارا جنایت می‌کنند، عذرخواهی هم نمی‌کنند و بعد هم می‌گویند حقوق بشر، انگار آن مرد سیاهی که کشته شد، بشر نبود و حقوقی نداشت.

■ حوادث اخیر امریکا بزک کنندگانش را سرافکنده کرد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به احساس خجالت و سرافکندگی بجای ملت امریکا از حکومت‌های خود و حکومت فعلی‌شان افزودند: با این وضع پیش‌آمده، برخی از ایرانی‌های داخل یا خارج از کشور هم که شغل‌شان حمایت از امریکا و بزک آن بود، دیگر نمی‌توانند سر بلند کنند.

رهبر انقلاب اسلامی در پایان ابراز امیدواری کردند که خداوند حوادث عالم را به نفع ملت ایران و اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی پیش ببرد و روح امام بزرگوار و شهید عزیز سلیمانی را با اولیای خود محشور فرماید.

ویژه

آقای بولتون، برای‌مان از امریکا توئیت بزنید!

سرچ نام کشورمان به زبان انگلیسی «Iran» در توئیت‌های جان بولتون، توئیت‌های متعددی را به فاصله‌های زمانی کم نشان می‌دهد؛ هر اتفاق مهم ایران، بولتون، وکیل و دیپلمات امریکایی را که تا پاییز ۹۸ مشاور امنیت ملی دولت دونالد ترامپ بود، به واکنش توئیتری و غیرتوئیتری وا می‌دارد. تا جایی که بولتون را می‌توان به عنوان فعال مجازی ضد ایرانی شناخت. او نگران قیمت بنزین و اعتراضات آن در ایران می‌شد، اما اینک که همه جای دنیا صحبت از امریکا، خشونت پلیس، نژادپرستی و اعتراض و آشوب است، جان بولتون ساکت‌ترین فعال سیاسی توئیتری شده است. صفحه توئیتر او چند روز متوالی پس از قتل یک شهروند سیاهپوست امریکایی توسط پلیس امریکا و آغاز اعتراضات شدید در سراسر امریکا، به‌روزرسانی نشد. او سپس با توئیتی در مورد هنگ کنگ! به توئیتر بازگشت! سه توئیت در دو روز زد؛ دو توئیت در مورد هنگ کنگ و لزوم شنیدن صدای اعتراضات توسط دولت چین و یکی هم در مورد ناسا!

بولتون مشخصاً در مورد وقایع پر خبر کشورش که همه فضای خبری جهان را تحت تأثیر قرار داده و دهها شهر امریکا را درنوردیده و دامنه اعتراضات را به اروپا رسانده، سکوت کرده است. علاوه بر آنکه او طبیعتاً هیچ دفاعی از نژادپرستی سازمان یافته و حاکمیتی دولت امریکا ندارد، به نظر می‌رسد از آنکه مطلبی علیه دولت ترامپ بزند هم پرهیز دارد. او صرف نظر از آنکه اخراجی دولت ترامپ است، زمانی با نظر ترامپ مجبور به سکوت در توئیتر شد. بی‌بی‌سی فارسی دوم آذر ۹۸ در خبری نوشت: «جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق امریکا، کاخ سفید را متهم کرده که از زمان استعفایش مانع از دسترسی او به توئیتر شده بود. آقای بولتون در اولین توئیت خود در ظرف دو ماه گذشته از توئیتر به خاطر بازگرداندن حساب شخصی‌اش تشکر کرده است. از زمان کناره‌گیری آقای بولتون از سمت مشاورت امنیت ملی دونالد ترامپ، او توئیت نکرده بود. او گفته است شاید دلیل این کار «نگرانی» از چیزهایی بوده است که او ممکن است بگوید. یک مقام ارشد دولت امریکا گفته است کاخ سفید مانع دسترسی آقای بولتون به حساب شخصی‌اش در توئیتر نشده و امکانات فنی لازم برای این کار را هم ندارد. ۷۷۰ هزار نفر در توئیتر آقای بولتون را دنبال می‌کنند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا در ماه سپتامبر در توئیتی اعلام کرد جان بولتون، مشاور امنیت ملی خود را اخراج کرده است. اما آقای بولتون، که یک شاهد اصلی بالقوه در پرونده استیضاح آقای ترامپ به حساب می‌آید، در ماه سپتامبر در توئیتی نوشت آن‌طور که آقای ترامپ ادعا کرده، اخراج نشده است. او گفت به دلیل اختلاف‌نظر جدی با آقای ترامپ بر سر سیاست خارجی استعفا کرده است. آقای بولتون برای ادای شهادت در تحقیقات استیضاح رئیس جمهور این کشور به کنگره احضار شده است.»

شاید بولتون می‌ترسد باز هم دسترسی او به اکانت شخصی‌اش در توئیتر، توسط دولت امریکا محدود شود.

یادداشت

داود عامری

امام را در امام باید دید

ایران هیچ‌گاه، سخنان دلنشین و نگاه‌های نافذ بزرگمردی را که در دشوارترین روزهای زندگی خود، دل‌های مرده را با نفس مسیحایی خویش زنده می‌ساخت و نهضتی عظیم را بنا کرد، از یاد نخواهد برد.

پدری مهربان، که با سردادن ندای عشق و نغمه سرود رهایی، ضمیر پاک هزاران انسان دردمند را با زندگی عزتمند آشنا کرد. فرزانه‌ای که جمع اضداد بود. او که انسان‌های فرهیخته جهان را متحیر شخصیت خویش ساخت و پرآوازه‌ترین مرد قرن نام گرفت.

رهبری که جهان در برابر عظمت او ناچیز می‌نمود، لیکن در خانه‌ای ساده و بی پیرایه در جماران بیتوته داشت. امام خمینی(ره) با ویژگی‌هایی همچون شجاعت، صراحت، صداقت و تدبیر که از اندیشه پویای اسلامی، عدالت محور و مردم باور آن مرد فرزانه نشئت می‌گرفت، چنان مردم ایران و نظام‌های دردمند را تحت تأثیر خود قرار داد که پیامش مرزها را درنوردید و از ایران، یک نام آشنا و از خمینی، پیام آوری بزرگ ساخت، به گونه‌ای که دنیا نشانه‌های افکار بلند او را در میان همه ملت‌های ستمدیده که برای آزادی مبارزه می‌کنند، به چشم خود دید. او از قدم‌های نخست تا آخرین نفس، هیچ‌گاه حقایق بنیادین دینی و مصالح مسلمانان و ایران را قربانی نظرگاه‌های محدود و مصلحت‌های مقطعی نکرد و هرگز از بیان حقیقت باز نایستاد.

رهبر سیاستمداری که اخلاص و عرفان در چهره‌اش هویدا بود. او همراه با نبوغش در تسخیر قلب ها، سال‌ها بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ایران پر تلاطم و پرهیاهو را به شایستگی رهبری نمود و آنگاه که به ملاقات محبوبش می‌شتافت، چشم‌ها گریان، قلب‌ها لرزان و دست‌ها برای بدرقه او به رضوان برین به آسمان بلند بود و او با قلبی آرام به دیدار معبود می‌شتافت.

خمینی(ره)، با نگاه گذرا هرگز دیده و فهمیده نخواهد شد. او را باید به صورت کامل شناخت و راهش را آگاهانه پیمود.

واقعاً چگونه می‌شود امام را شناخت و در مسیر او گام برداشت. همان روزهایی که چشم ملت مسلمان گریان به رفتن این بزرگمرد بود، سیدی از نسل یاران او، برای راهبری انقلاب اسلامی قامت راست کرد تا پرچم معمار کبیر انقلاب را بر دوش گرفته، امت را رهبری کند، نه اینکه جای خالی او را پر کند، بلکه در جای خود راه امام عزیز سفر کرده را تداوم بخشد.

آن روزها که انقلاب اسلامی سخت‌ترین روزهای خود را طی می‌کرد و تمام غرب و نظام سلطه قد علم کرده بود تا در غیاب خمینی کبیر، انقلاب ملت بزرگ ایران را با توطئه‌های مختلف بر زمین بزنند، یا به انحراف کشانند، خطیب و حکیم توانای انقلاب به میدان آمد تا انقلاب و امت اسلامی را یاری کند. اما راه سخت بود و قافله سالاری بزرگ می‌خواست. امروز سال‌ها از آن روزهای تاریخی می‌گذرد و انقلاب اسلامی مردم ایران، نه تنها در دل‌های امت اسلامی تثبیت شده و در جایگاه رفیع و بالنده قرار گرفته است، بلکه در همه مسیرهای خود در گام اول انقلاب، اصول خود را حفظ کرده و همچنان طنین سال‌های خمینی به گوش می‌رسد، گویا اگر کسی آن سال‌ها او را درک نکرده، می‌تواند آن راه و منش را در اندیشه و مدیریت حکیم بزرگ انقلاب امام خامنه‌ای پیدا کند و اگر آن سال‌ها را درک کرده، می‌تواند آن را بازخوانی کرده از آن روزها بهره ببرد.

رهبر انقلاب بارها بر راه امام(ره) تأکید کرده و فریاد زده است که انقلاب ما در همان مسیر امام دل‌ها است و ما نیز در این مسیر گام بر می‌داریم تا امانت‌دار روزهای ایثار، گذشت، صداقت، سلامت و صلابت باشیم. امروز بیش از هر زمانی به انسان‌هایی نیاز داریم که بوی سال‌های دور را بدهند، اما با عطری نو و طراوتی جوان. امام را باید شناخت از طریق نزدیک‌ترین انسان‌ها به امام و این همان شعار ملت ایران است که خامنه‌ای خمینی دیگر است.

مقاله

سیر حرکت امام انقلاب تکاملی یا تطور؟

ادامه از صفحه اول

به این مثال توجه کنید: اصلاح‌طلبان با همین نظارت استصوابی ۲۲۰ نماینده وارد مجلس ششم کردند اما با همین قانون الآن نمی‌توانند همان افراد را به میدان بیاورند؟ آیا حکومت و قانون تغییر کرده یا آنان اقدامی کردند که شرایط احرازشان امروز با مجلس ششم متفاوت شده است؟ امام بازرگان و دوستان وی را محترم شمرد، کنار خود نشاند و دولت را در اختیارشان قرار داد. حال می‌توانیم بگوییم اینکه امام هفت سال بعد از تشکیل دولت موقت گفت: «نهضت به اصطلاح آزادی دنبال وابستگی جدی ایران به امریکاست»، نقض غرض کرده و مشکل از خود اوست نه اعضای دولت موقت؟

دوران نوفل‌لوشاتو را چه کسانی روایت کرده‌اند؟ همان‌ها که امام دست رد به سینه‌شان زد و گفت، به‌واسطه سالوس‌گری بنده را اغفال کردند؟ اما آنان به نوشتن کتاب ۸۰۰صفحه‌ای «آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها» روی آوردند. نوفل‌لوشاتو را مرحوم یزدی، بنی‌صدر و قطب‌زاده روایت کردند. چرا روی «امام نجف» که ۱۴سال طول کشید به اندازه امام نوفل‌لوشاتو که چهار ماه طول کشید مانور داده نمی‌شود؟ وقوع انقلاب اسلامی به معنی نظام‌سازی نبود. انقلاب به مثابه هاله بود نه نظام عینیت یافته و ملموس سیاسی. انقلاب جنبه آرمانی داشت اما نظام‌سازی آمیزه‌ای از واقع‌گرایی، شرایط مدرن و اصول اسلامی بود. امام بعد از شکل‌گیری قانون اساسی مقید به آن بود و بعد از جنگ نیز قانون را محور اداره کشور دانست. بنابراین امام حکومت‌کننده مانند امام انقلاب‌کننده دیگر همه‌کاره کشور نبود که اگر بود اجازه قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری را نمی‌داد اما امام نوفل‌لوشاتو در عرصه نظر بود و چشم‌انداز عینیت یافته حکومت آن هم با ابعاد حقوقی و مردم‌سالارانه هنوز بالفعل نبود. پذیرفتن جمهوری اسلامی توسط ۹۸ درصد مردم در فروردین ۵۸ برای امام بسیار تعیین‌کننده شد. خوشبختانه انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب جهان است که رهبری بعدی -که به روش نهادی انتخاب شده است- بر راه بنیان‌گذار موبه‌مو اصرار کرده است و از قضا بخشی از بغض‌ها نسبت به رهبری به دلیل اصرار بر امامی است که بخشی از صحابه دیروزش دوماه پس از ارتحال ادامه راه وی را بن‌بست دیدند. در کتاب‌ها و مکاتیب غربی دنبال راهی آبرومندانه برای به‌حاشیه راندن امام می‌گشتند و به دنبال امام لیبرال‌دموکراسی می‌گشتند که با عرف، سیاست و حکومت بین‌الملل سازگار گردد اما حواس‌شان نیست که نیمه دیگری از این امام باقی است که به عشق او دهها هزار نفر پای در میدان شهادت نهاده‌اند. امامی که گفت اگر بندبند استخوان‌های ما را از هم جدا سازند، اگر زن و فرزندان‌مان را جلوی چشم‌مان به اسارت برند و اگر زنده زنده در آتش‌مان بسوزانند هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم. اصلاح‌طلبان ناب و سایت جماران چگونه می‌توانند این نیمه امام را مخفی کنند؟ اگر می‌خواهید امام را جمهوریخواه سکولار معرفی کنید، ابتدا باید بلایی که بر سر کتاب میرزای نائینی آمد بر سر صحیفه ایشان بیاورید تا نسل‌های آینده جامعیت وی را درک نکنند. اما کلام امام بسان قرآن خود را حفظ خواهد کرد. حقانیت، اخلاص و بندگی امام او را در حوادث آینده تاریخ گم نخواهد کرد. این سنت الهی است که مردان او در بستر تاریخ جاودانه خواهند ماند.